

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۱ مارچ ۲۰۲۳



یونس نگاه

مهاجرانی که پاره‌های وطن‌اند

همه آنانی که کشور را ترک می‌کنند، به آرزوهای خود نمی‌رسند و مهاجرت به‌خاطر فرار از استبداد طالبانی و عذاب گرسنگی گاهی کم‌خطرتر از ماندن در افغانستان نیست. در یک‌ونیم سال گذشته روزانه صدها و در مواردی هزاران هموطن به کشورهای همسایه و دورترها کوچیده‌اند و خیلی از آنان در نیمه‌راه‌ها گرفتار مانده، تعدادی به مسیرهایی افتاده‌اند که هیچ نمی‌خواستند و کسانی نیز مفقود شده با اجسادشان به وطن برگردانده شده است. بتازگی کشتی پر از مهاجر در سواحل ایتالیا غرق شد و ده‌ها تن کشته و مفقود شدند. آن‌گونه که انتظار می‌رفت بخشی از قربانیان و پنداران ما بودند. گفته می‌شود در ده سال اخیر، تنها در بحیره مدیترانه مرگ و مفقودی ۲۰ هزار تن مهاجر ثبت شده است و بی‌گمان تعداد افغان‌ها در آن میان، ده‌ها و صدها نه؛ بلکه هزاران تن بوده است. تلفات مهاجران ما در فاصله بین وطن تا بحیره مدیترانه، بسیار بیشتر است. هر ساله تعداد زیادی از آنانی که به امید رسیدن به کشورهای غربی خانه‌های شان را ترک می‌کنند، در دشت‌ها، کوه‌ها و مرزهای پاکستان، ایران و ترکیه کشته و مفقود می‌شوند.

رقم آنانی که با طیاره و از طریق روندهای رسمی به کشورهای دیگر کوچیده‌اند، در برابر این گروه از هموطنان که با هزار سختی و از طریق راه‌های قاچاقی سفر می‌کنند، بسیار ناچیز است. اکثریت مهاجرانی که به مقصد رسیده و در گوشه‌های دیگر زمین کلبه ساخته و کار یافته‌اند، از راه‌های پرخطر قاچاق و با تحمل رنج‌های بسیار گذشته‌اند. رسیده‌ها نیز آن‌طوری که از دور می‌نمایند، وطن بدل کرده و به‌عاقبت نرسیده‌اند. مهاجران عناصر زیادی از نیک و بد وطن را با خود می‌برند. افتخارات، عقب‌ماندگی‌ها، ننگ‌ها و نام‌های مشترک وطنی با مهاجران می‌مانند و آنان سال‌ها مجبورند برای خود و دیگران به‌چیزهایی پاسخ بجویند، از چیزهایی دفاع کنند و از شرم‌هایی عرق بریزند. وطن با رفتن رها نمی‌شود و حتی اگر میل بریدن یک‌باره در کسی به وجود آید نیز تا سال‌ها در رفتار، زبان، باورها و چهره مهاجر باقی می‌ماند و محیط میزبان دایم خانه اصلی و ریشه‌های فرهنگی‌اش را گوش‌زد می‌کند. سختی از سرگیری زندگی در

محیط‌های تازه با محدودیت‌های بسیارش مهاجرت را برای آنان‌ی که از جنگ و گرسنگی با دست‌های خالی می‌گریزند، بسیار پرچنگال می‌کند.

این‌روزها به دلیل وضعیت فاجعه‌بار وطن، ترک کشور چون گریز از زندان، با تمام خطرات، ابهام و سرگردانی‌هایش نجات تلقی می‌شود و از همین‌رو رنج‌های مهاجران انعکاس چندان نمی‌یابد و آنان گروه‌گروه و دوامدار، بی‌آن که سرخط خبرها شوند و حس همدردی جمعی ما را برانگیزند، قربانی می‌شوند. گویا تعریف سخت و خاکی که از وطن و وطنداری خلق شده، اذهان را دچار خطا می‌کند و ما کمتر می‌توانیم به وطنی فراتر از آن جغرافیا و توت‌هائی که در سراسر جهان پراکنده شده، فکر کنیم.

با افزایش نفوس مهاجران و ادامه موج ترک وطن، لازم است که مسایل مهاجرت، حقوق مهاجران و رنج‌های هموطنان خارج از کشور نیز در آجنداهای سیاسی، مدنی و رسانه‌ئی شامل و برجسته شوند. زندان‌های کشورهای منطقه پر از هموطنان مایند، کمپ‌ها و شهرهای پاکستان و ایران پر از گرسنگان و بی‌خانمان‌های گریخته از وطن‌اند که بیشترشان نه جای ماندن دارند و نه راه برگشتن. بحران‌های سیاسی و اقتصادی جاری در ایران و پاکستان محیط را برای مهاجران به مراتب بیشتر از گذشته تنگ کرده است. آنان زندگی برزخوار دارند و میان امید بهبود وضعیت وطن یا مهاجرت در کشورهای غربی از یکسو و ادامه زندگی در تنگدستی و بی‌سرنوشتی عذاب می‌کشند. چهره آنان و مسایل‌شان باید در آئینه سیاست و رسانه دیده شوند.